اولین جنگ کلاسیک قرن بیست و یکم چگونه آغاز می‌شود

ادامه از صفحه ۱۲

خاک این کشور انجام خواهد شد. آمریکا هنوز تانکها و توپهای سنگین خود را به منطقه منتقل نکرده و این اقدام را زمانی انجام خواهد داد که بداند بروز جنگ قطعی خواهد بود، چراکه نقل و انتقال ادوات سنگین زرهی سخت‌ترین کار در بخش اجستیک نظامی است.

پایگاههای عمده آمریکا در منطقه در کشورهای ترکیه، کویت، قطر، عربستان، عمان و بحرین است و نیروهای پراکنده آمریکا قرار است از این پایگاه سازماندهی شوند. از جمله تجهیزات بسیار پیشرفته‌ای که آمریکا اخیرا به منطقه اعزام کرده ناو هواپیمابر یواس اس هری‌ترومن است. این ناو بسیار مدرن که تنها ۴ سال از عمر آن می‌گذرد (برخی ناوهای هواپیمابر آمریکا مانند کانستیتیشن بیش از ۴ دهه قدمت دارند) حامل ۸۰ هواپیمای شکاری بمب‌افکن (اف ۱۴، اف ۱۸ و ای ۶) است. این ناو عظیم اتمی ۵۰۰۰ تفنگدار را به همراه دارد.

همچنین بنا به اطلاعات رسیده، پایگاههای اصلی آمریکایی عملیات انتقال نیرو به خلیج فارس را آغاز کرده‌اند. هواپیماهای اف ۱۵ از پایگاههای لانگلی و جانسون، بمب‌افکن‌های سنگین بی ۱ از پایگاه الزورث و هلی‌کوپترها و هواپیماهای سی ۱۳۰ از پایگاههای نیلز و مودی کار انتقال نیروها را آغاز کرده‌اند.

بمب‌افکن‌های اف ۱۵ قادر به انجام عملیات شبانه و از بین‌بردن هواپیماهای دشمن هستند و به همراه اف ۱۸ها ستون فقرات نیروی هوایی آمریکا را تشکیل می‌دهند. اف ۱۸ نیز جنگنده بمب‌افکن آمریکایی است که بیشترین حوزه فعالیت آن دریاها و ناوهای هواپیمابر است. اف ۱۴ نیز علیرغم آنکه ۳ دهه از ورودش به نیروی دریایی آمریکا می‌گذرد هنوز بهترین هواپیمای رهگیر و دارای سیستم موشکی فوق‌العاده است.

هر ناو هواپیمابر آمریکایی قادر است به تنهایی نقش ۲ تا ۳ پایگاه هوایی را بازی کند چراکه به‌کمک پرتاب‌کننده‌های هواپیمای خود قادر است ۷۰ تا ۸۰ هواپیمای بر روی عرشه خود را بین ۳ تا ۵ دقیقه بر روی هوا بفرستد و این هواپیماها به دلیل سرعت بیش از ۲ ما (بیش از ۲ هزارکیلومتر در ساعت) قادرند در کمتر از ۴۰ دقیقه خود را به قلب عراق برسانند.

ناوهای هواپیمابر همچنین از صدها موشک توماهاوک و کروز برخوردارند که قادرند از خلیج فارس بغداد را مورد حمله قرار دهند.

جنگ چگونه آغاز می‌شود؟

مهمترین اقدام آمریکا برای آغاز جنگ ایجاد فضای امن و آسمان بدون دشمن است. تجربه جنگهای اخیر به آمریکا ثابت کرده که اگر حریف از نظر نیروی هوایی کاملا در هم‌شکسته شود و در مرحله بعد از پدافند پرقدرت بی‌نصیب گردد آنگاه حتی اگر غول باشد، آن غول نابینا خواهد بودکه بی‌هدف دستهای خود را تکان خواهد داد.

بنابراین آغاز نبرد در هم‌کوبیدن باقیمانده نیروی هوایی عراق خواهد بود. در بین جنگنده‌های عراقی می‌توان برخی جنگنده‌های رهگیر را یافت که می‌توانند برای کلیه هواپیماهای آمریکایی خطرناک باشند. میگ ۲۹ هنوز از جمله معدود کارتهای برنده صدام است. اما آمریکا باند سالمی برای عراق باقی نخواهد گذاشت تا این هواپیماها با خزش به سوی آنها بتوانند اوج بگیرند.

صدام همچون جنگ پیشین سعی خواهد کرد جنگنده‌های خود را در آشیانه‌های بتونی پنهان کند تا شاید زمانی بتواند از آن استفاده کند. در طول جنگ خلیج فارس (۱۹۹۱) رهگیری آمریکا و متحدان آن به اندازه‌ای سریع بود که هواپیمای عراقی به پرواز درآمده نمی‌توانست به پایگاه خود بازگردد، به ناچار یا هواپیما را رها می‌کرد و یا آنکه سراسیمه خود را به فرودگاههای غربی ایران می‌رساند.

شبکه‌های گسترده پدافندی عراق هدف بعدی آمریکایی‌ها است. هنوز صدام حسین از چند هزار توپ پدافندی و شبکه درهم تنیده موشکهای سام برخوردار است و در چند روز اول این شبکه با قدرت فعالیت خواهند کرد. اما شناسایی و انهدام آن توسط موشکهای کروز، اف ۱۱۷ها (که نامرئی هستند و توان عملیات در شب را دارند) اف ۱۵ها و بمبارانهای از ارتفاع بسیار بالا توسط بی ۱ و بی ۵۲ انجام شد عملیات آمریکاییها در این بخش به مانند یک بازی خواهد بود. هواپیماهای لیدر ابتدا بر روی آسمان شهرهایی چون بغداد و بصره خواهند رفت و پس از به صدا درآمدن پدافندها آنها را شناسایی کرده و توسط لیزر آنها را به صورت مجازی علامتگذاری می‌کنند و هنگام حمله اصلی، صدها سکوی پرتاب موشک و توپ ضدهوایی توسط انبوهی از موشکهای هوشمند هدفگیری‌شده و از بین می‌رود.

پس از انهدام کامل نیروی هوایی و پدافند عراق، اکنون جنگنده‌ها و بمب‌افکن‌ها می‌توانند با خیال راحت هر هدفی را در هر نقطه عراق مورد حمله قرار دهند. البته این به آن معنی نیست که آمریکاییها کاملا از نیروی هوایی عراق غافل شوند آواکسها هر حرکتی در خاک عراق را به اطلاع فرماندهی آمریکایی می‌رسانند.

و به محض آنکه یک جنگنده عراقی جسارت به خرج داده و بتواند به هر طریقی خود را به ارتفاع چند هزار متری برساند بلافاصله شناسایی و مورد حمله قرار می‌گیرد.

هدف دوم و اصلی آمریکا از بین‌بردن مراکز فرماندهی و کنترل است. آنچه که باعث می‌شود یک ارتش یا واحد بزرگ نظامی دارای توان بالا باشد فرماندهی است. اگر فرمانده توان ارتباطی خود را با واحدهای اصلی از دست بدهد پس از مدتی به دلیل بی‌خبری نیروهای صف از ستاد و بالعکس نوعی سردرگمی در بین نیروها ایجاد می‌شود. مشابه حادثه‌ای که در جنگ دوم خلیج فارس در ۱۹۹۱ رخ داد.

ارتش یک میلیون نفری صدام حسین از تغییر بموقع آرایش نظامی آمریکا بی‌خبر ماند و موفق نشد خود را با شرایط وفق دهد. از طرفی افسران ارشد عراقی از بمدی اوضاع در مناطق دوردست بی‌اطلاع بودند مثلا بسر روی دهها لشکر در جنوب عراق حساب می‌کردند و بعدها متوجه شدندکه بسیاری از آن لشکرها تنها بر روی نقشه وجود دارند.

هدف سوم آمریکا مشابه جنگ قبلی در منطقه و نبرد در بالکان، حمله بیرحمانه و گسترده به تاسیسات زیربنایی و حمل و نقل کشور قربانی است. پلها، جاده‌ها، سیستم‌های مخابراتی، سیستم‌های سوخت‌رسانی، نیروگاهها، پالایشگاهها بخشی از این اهداف با ارزش خواهند بود.

هواپیماهای مایوس آمریکایی در جنگ افغانستان هیچ هدف با ارزش را پیدا نمی‌کردند و بدون استفاده از بمبها به پایگاهها باز می‌گشتند اما عراق دارای دهها هدف چندصد میلیون دلاری است.

می‌توان گفت این حمرکت آمریکا بدترین ضربه به هر کشوری است چراکه با محو حاصل تلاش ۴ دهه یک کشور به ناگهان آن را به قرون گذشته پرتاب می‌کند. ناگهان سطح رفاه یک کشور به اندازه‌ای نزول پیدا می‌کندکه مردم آن نمی‌توانند در شرایط عادی حتی فکر آن را بکنند.

تصور کنید ۲۲ ساعت خاموشی شبانه روز، نبود بنزین، گازوئیل، گاز و نفت و یا قطع کامل ارتباطات تلفنی!

اگر بدبینانه قضاوت کنیم باید بگوییم برخی از این اقدامات نه با هدف نظامی بلکه با هدف ایجاد کار برای شرکتهای عظیم چندملیتی است که با پول همان کشور به بازسازی آن خواهند پرداخت.

ارتش متلاشی‌شده بازسازی می‌شود، خاک اشغال‌شده آزاد می‌شود، شرایط عادی می‌شود اما هیچگاه زیرساختهای نابودشده در کمتر از یک دهه بازسازی نمی‌شود.

در بین اهداف فوق تنها پلها و جاده‌ها هدف نظامی محسوب می‌شوند. زدن پلها و جاده‌ها سبب می‌شود ارتباط زمینی واحدها با عقبه قطع شود و از اجستیک بی‌بهره شوند. از یاد نبریم‌که در این جنگ ارتش مورد تهاجم قرار گرفته از ترابری هوایی نمی‌تواند استفاده کند.

در جنگ خلیج فارس به اندازه‌ای واحدهای لجستیک عراقی درهم کوبیده شدند که ارتش عراق حتی برای رساندن نان به نیروهای خط مقدم خود مشکل پیداکرده بود. گرسنگی مفرط نیروهای عراقی از جمله دلایل نجنگیدن آنها بود.

آمریکا فرصت توقف یا عقب‌نشینی ندارد

در این نبرد آمریکا باید بی‌وقفه رو به جلو برود و در هرکجاکه با مقاومت روبرو شد با کمک نیروی هوایی آن را در هم شکند. آمریکا همچنین به کمک سیستم پیشرفته ماهواره‌ای خود قادر است سریعا متوجه هرگونه تغییر در آرایش نظامی عراق شود و هر ضدحمله‌ای را قبل از شکل‌گیری به سرعت متلاشی کند. به دلیل قرارگرفتن بخش اعظم خاک عراق در مناطق هموار و دشت مانند، عراقی‌ها قادر نیستند از عوارض زمین نیز استفاده کنند و هواپیماهای شکارچی تانک نظیر آی ۱۰ که دارای یک توپ بزرگ ۸ لوله و دهها موشک هستند در کنار هلی‌کوپترهای سوپرکبرا و آپاچی واحدهای زرهی و نفرات آنها را از بین خواهند برد.

اما چه بر سر توپهای عراقی و پایگاههای پرتاب موشک پلاستیک خواهد آمد؟ قطعا در جنگ قبلی خلیج فارس اگر توپهای عراق خوب عمل می‌کردند آمریکا نمی‌توانست با ۹۰ کشته، ارتش عراق با ۵۰ تا ۶۰ لشکر را متلاشی سازد. اما دلیل ناکامی عراق در استفاده از توپهای دوربرد خود چه بود. هر توپ به محض شلیک توسط ماهواره‌های آمریکایی شناسایی می‌شد و گرای آن به توپهای الکترونیکی آمریکا داده می‌شد و بلافاصله منهدم می‌شدند. به عبارتی در چنین وضعیتی غرش توپها به منزله فراخوان مرگ بود. عراق پس از مواجهه با چنین حالتی تصمیم‌گرفت ۲ هزار توپ باقیمانده خود را سالم نگه دارد.

عراق در نبرد قبلی از موشکهای بالستیک خود علیه اسرائیل استفاده کرد اما این حرکت اگرچه از نظر سیاسی دارای وجهه بود اما از نظر نظامی کمکی به ارتش عراق نکرد. معلوم نیست که آیا در این جنگ نیز صدام از این موشکها استفاده خواهد کرد.

حمله از کجا صورت خواهد گرفت؟

به احتمال زیاد به مانند جنگ قبلی آمریکائی‌ها باز هم از جنوب به عراق یورش خواهند برد، چراکه مرزهای شمالی عراق کوهستانی و غیرجذاب است. جنگ کوهستانی جنگی سخت و نامطمئن است. در نبردهای کوهستانی استفاده از تکنولوژی کاهش می یابد و این سرباز است که حرف اول و آخر را می‌زند (اگر چه تجهیزات هم شرط است) ممکن است آمریکا چند تیپ نیرو را هم از مرزهای شمالی عراق گسیل کند اما فلشهای بزرگ حمله از جنوب خواهند بود، جایی که وسعت برای درگیری ۲۵۰ هزار سرباز آمریکایی و ۴۰۰ هزار سرباز عراقی را داشته باشد.

استفاده گسترده از سلاحهای هوشمند

در جنگهای جدید، انهدام اهداف بسیار پرمخاطره نه به خلبان و سرباز بلکه به موشکهای اسمارت یا هوشمند سپرده می‌شود. اگر در نبردهای قبلی برای از بین‌بردن یا متوقف‌کردن یک تیپ زرهی با وضعیت پدافند عامل نیاز بود تا هواپیما و هلی‌کوپتر مهاجم خود را به یک کیلومتری آنها رسانده و با صدها سلاح کالیبر متوسط روبرو شود در شرایط امروزی این خلبان از فاصله ۱۰ کیلومتری اهداف را به کمک رایانه هواپیما هدف قرار می‌دهد و این رایانه توسط موشکهای هدایت‌شونده هدف‌ها را از بین خواهند برد.

صدام دیکتاتور تنها

صدام به مانند همه دیکتاتورها تنها است و در تنهایی خواهد مرد. صدام بهترین ژنرالهایش را پس از پایان جنگ با ایران یا کنار گذاشت و یا اعدام‌کرد و کادر فعلی نظامی عراق بیشتر متشکل از مردان سیاسی (و نه نظامی حرفه‌ای) است.

ارزش یک ارتش به این نیست که با کمک تجهیزات مدرن یک جنگ را به پیروزی برساند، بلکه فرمانده لرزشمندکسی است که در بدترین شرایط ضمن واردکردن سخت‌ترین ضربه‌ها به حریف، نیروی خود را با کمترین تلفات از مهلکه بدر برد. و این میسر نیست مگر با ابتکار. ارتش عراق در جنگ قبلی ابتکاری نداشت و در این نبرد نیز احتمالا ابتکاری از خود نشان نخواهد داد. از طرفی سربازان عراقی نه اعتقادی به جنگهای قبلی داشتند و نه احتمالا با روحیه بالا به استقبال ارتش اول دنیا خواهند رفت. مشکل دیگر صدام در بهره‌گیری از دفاعهای خودجوش مردمی خواهد بود چراکه این مردم به همان اندازه‌که از نیروهای مهاجم می‌ترسند از حزب بعث متنفرند. از طرفی جنبشهای شیعه جنوب عراق به همراه کردهای شمال عراق احتمالا تا حدود زیادی با نیروهای آمریکایی هماهنگ خواهند بود و اگرچه از نظر نظامی نیروهایی قابل توجهی ندارند اما نفس قرارگرفتن آنها در یک صف با جنگجویان آمریکایی بر روحیه مدافعین عراقی اثرگذار خواهد بود.

آیا ارتش عراق هیچ شانسی ندارد؟

چند عامل است که برای ارتش آمریکا حل‌نشده باقی خواهد ماند. ابتدا سلاحهای میکروبی و شیمیایی صدام. این سلاحها که برآورد می‌شود یکی از بزرگترین زرادخانه شیمیایی منطقه باشد قادر است جهنمی را در منطقه ایجاد کندکه تلفات آن حتی دامنگیر مردم بی‌دفاع و سربازان عراقی شود.

اگرچه نیروهای آمریکایی به سلاحهای ضدشیمیایی مجهز خواهند بود اما این سلاحها ضمن آنکه می‌توانند تلفات را در نیروهای آمریکایی افزایش دهند سرعت حرکت این نیروها را تا ۴۰ درصد کاهش می‌دهند. باید دید آیا صدام جرات بکاربردن این سلاحها را خواهد داشت.

مساله بعدی جنگهای شهری است. ارتش آمریکا می‌تواند بدون درگیری از کنار شهرهای عراقی بگذرد و آنها را به حال خود رها کند اما حتما باید وارد بغداد شود. بغداد شهر بزرگی است که اگر تنها ۳۰ هزار سرباز گارد که می‌توانند از جنگجویان هم‌قبیله‌ای صدام باشند به خوبی از آن محافظت کنند نیروهای آمریکایی برای تصرف کامل آن به هفته‌ها وقت نیاز خواهند داشت.

جنگ شهری از نوع سخت‌ترین و تخصصی‌ترین جنگها به شمار می‌رود و برای فرماندهان فاتح همواره کابوس لنینگراد، استالینگراد، بیروت، ورشو و... را بخاطر خواهد آورد. در جنگ شهری به دلیل فقدان فضا برای استفاده از جنگ‌افزارهای سنگین، تک‌تیراندازان، کماندوها و کهنه‌سربازان سلطان میدان خواهند بود.

در این مرحله سربازان طرف آمریکا، سربازان گرسنه و بی‌انگیزه نخواهند بود بلکه گردانهای طلایی، تکریتی‌ها، گارد ریاست جمهوری، یگانهای حفاظت صدام و نیروهای ویژه شرکت خواهند داشت. به گفته کارشناسان این افراد آماده‌اند تا کثیف‌ترین و بی‌رحمانه‌ترین دستورات را از سوی صدام به اجرا بگذارند. اگرچه شاید این آخرین پرده نمایش دیکتاتور بغداد باشد اما بی‌شک خونین‌ترین آن خواهد بود مگر آنکه صدام قبل از ورود به این فاز کشته و یا ربوده شود.

جنگ چه مدت به طول خواهد انجامید؟

جنگ به احتمال زیاد طولانی نخواهد بود چرا که از سویی هزینه‌های آن بسیار سرسام‌آور است (بین ۵۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار هزینه جنگ تخمین زده می‌شود) و آمریکایی‌ها اجازه طولانی‌شدن آن را نخواهند داد و از سوی دیگر آمریکایی‌ها برای ازبین‌بردن قدرت مانور سیاسی احتمالی عراق و یا کشورهایی نظیر فرانسه، روسیه و چین باید هرچه زودتر جنگ را تمام کنند. به عقیده کارشناسان جنگ هوایی ۲ هفته و نبرد زمینی ۵ هفته به طول خواهد انجامید و اگر این نبرد در فوریه جاری (بهمن) آغاز شود در اواسط فروردین ۸۲ (آوریل) به پایان خواهد رسید.

نیروهای زمینی آمریکا حداقل ۱۰ لشکر و نیروی هوایی این کشور نیز بین ۶۰۰ تا هزار هواپیما خواهد بود.

دست آخر اینکه از یاد نبریم هنوز ممکن است دیپلماسی رقبای آمریکا مانع سیاستهای میلیتاریستی این کشور شود و جنگی رخ ندهد.

نگاهی کوتاه به جنگ پیشین خلیج فارس

پس از حمله اوت ۱۹۹۰ (۱۱ مرداد ۱۳۶۹) عراق به کویت، آمریکا به همراه متحدین خود دست به بزرگترین نقل و انتقال نیرو پس از جنگ ویتنام زد.

۷۰۰ هزار نظامی که ۵۱۶ هزار نفر آنها آمریکایی بودند در کنار ۲۸۰۰ تانک ۲۲۰۰ هواپیما و صدها توپ و هزاران موشک درکنار عراق آرایش جنگی گرفتند.

از ۱۷ ژانویه ۱۹۹۱ (۲۷ دیماه ۱۳۶۹) تا ۲۴ فوریه ۱۹۹۱ (۷ اسفند ۱۳۶۹) هواپیماهای متحدین ۷۰ هزار بار به تاسیسات و نیروهای عراقی حمله بردند و توان آنها را به شدت کاهش دادند.

سپس از روز مذکور به مدت ۱۰۰ ساعت عملیات زمینی آغاز شد. در نبرد زمینی ۷۰۰ هزار سرباز متحدین پس از دورزدن نیروهای عراقی در کویت، وارد جنوب عراق شده و تا نزدیکی بغداد پیش رفتند.

حمله آمریکاییها آنقدر برق‌آسا بود که نیروهای عراقی فرصت تغییر آرایش نیافتند و نیم میلیون سرباز عراقی در کویت به دام افتادند.

حاصل جنگ ۱۰۰ هزار کشته برای عراق، از بین‌رفتن ۳۱۳۰۰ تانک، ۱۱۰۰ توپ، ۳۰۰ هواپیما و از بین‌رفتن تاسیسات زیربنایی این کشور بود. در این جنگ ۴۳ روزه حدود ۱۰۰ میلیارد دلار از سوی متحدین هزینه شده که پرداخت آن توسط کشورهای آمریکا، آلمان، ژاپن، کویت، عربستان و امارات انجام شد. برآورد می‌شود حدود یک میلیون تن بمب بر روی عراق ریخته شده باشد. جنگ مذکور که در نوع خود بی‌نظیر بود کلیه کارشناسان نظامی را واداشت تا در برآوردهای خود از نقش نیروی هوایی تجدیدنظر کنند.

پاورقی:

۱ - موسسه تحقیقات استراتژیک لندن ۱۹۹۸

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
دو هفته یکبار در روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود

زیر نظر شورای سردبیری

سردبیر

فریدون احمدی

شورای سردبیری

داراب شکیب

محمود صالحی